

چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۳ | ۱۱ محرم ۱۴۴۶

با نواخته‌شدن زنگ پایان چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در نوع خود انتخاباتی خاص بود که به شکل فوری و در شرایطی متفاوت از دیگر انتخابات‌ها برگزار شد، زنگ آغاز بررسی‌های جامعه‌شناسانه و البته سیاسی از این فرآیند عمومی زده می‌شود و فرصت خوبی است تا بار دیگر شرایطی که انتخابات اخیر نشان داد بسیاری از نظرسنجی‌ها و تحلیل‌های قبل از انتخابات بیشتر از آنکه مبتنی بر واقعیت باشند، نشان دهنده تصورات طراحان آن است، سراغ محسن رادای، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه رقتیم و در گفت و گو «جوان» با وی درس‌های این فرآیند عمومی که بخش مهمی از جامعه را به خود مشغول کرده مورد بررسی قرار دادیم.

■ ■ ■

تفاوت وضعیت اقتصادی دولت شهید رئیسی با وضعیت دولت اقتصادی روحانی یکی از موضوعاتی بود که در مناظره‌های انتخاباتی زیاد در خصوص آن بحث شد. هر چند آمار نیز نشان دهنده بهبود وضعیت در خیلی از حوزه‌ها مانند تورم، رشد اقتصادی و فروش نفت است، اما قیبی که از حمایت دولت شهید رئیسی بر خوردار نبود، رأی آورد. آیا این رأی آقای پزشکشان نشان می‌دهد مردم از دولت شهید رئیسی ناراضی هستند؟

فارغ از اینکه الان آقای رئیسی، اصولگراها، اصلاح‌طلب‌ها یا هر کس دیگری حاکم بودند، مردم به هر حال از وضع موجود راضی نیستند. مردم احساس می‌کنند باید شرایط عوض شود و برای آنها وضعیت فعلی قانع‌کننده نیست، پس نه علیه شهید رئیسی، بلکه علیه وضع موجود هستند و به امید تغییری که موجب بهبود معیشت آنها شود، در انتخابات شرکت کردند.

نکته دوم، هوشمندی بزرگی است که آقای پزشکشان و تیم وی انجام دادند و آن این بود که به هیچ عنوان خودشان را در مقابل آقای رئیسی قرار ندادند، چون اگر اینگونه جلوه می‌دادند که ما مخالف آقای رئیسی هستیم، قطعاً در آرایشان تأثیر داشت و شاهد یک ریزشی بودیم، اما اینها این کار را نکردند. حتی دیدیم آقای ظریف در گفت و گوهای خود خیلی اسم شهید رئیسی و شهید امیر عبداللهمان را تکرار می‌کرد و تأکید داشتند کسانی که اخلاص می‌کنند، مخالف منی شهید رئیسی و شهید امیر عبداللهمان هستند. آقای پزشکشان نیز به همین ترتیب تأکید می‌کرد که من می‌خواهم کار درست را انجام دهم و به هیچ عنوان خودش را رقیب دولت شهید رئیسی نشان نمی‌داد.

در مجموع هر چند که مردم از وضع موجود خسته هستند، ولی رأی آنها مخالفت با شهید رئیسی نبود و حتی ممکن است این دولت را به نوعی ادامه شهید رئیسی بدانند که با اصلاح وضع موجود ادامه پیدا می‌کند. مردم شهید رئیسی را در مسیری تلقی می‌کردند که درادوضع موجود را تغییر می‌دهد و کسی که می‌تواند وضع موجود را عوض کند و آن اصلاحات را ادامه دهد، آقای پزشکشان قلمداد می‌کردند. در مجموع موضع گیری ستاد آقای پزشکشان این بود که می‌چوقت ادعا نکردند که در مقابل شهید رئیسی قرار دارند و مردم هم براساس شنیده‌های خود رأی دادند و البته این نشان‌دهنده هوشمندی تیم آقای پزشکشان بود.

نقش آقای ظریف اشاره کردید. نقش آقای ظریف و دیگر افراد شناخته‌شده و به قول معروف سلبریتی‌های سیاسی در این انتخابات چطور بود؟ چقدر آقای ظریف و دیگر سلبریتی‌های سیاسی در این انتخابات که به شکل فوری هم انجام شد، نقش داشتند؟

گفت‌وگو
سجاد آذری



محمدنهدی صالحی | جوان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کرد

جوانان در کل دنیا به عالم سیاست بی‌اعتماد شده‌اند

محسن رادای: سلبریتی سیاسی کلید واژه‌ای است که به خوبی می‌تواند در تحلیل وضع موجود

و دلیل رأی آوردن هم در انتخابات مجلس و هم در انتخابات ریاست جمهوری راه را به ما نشان دهد

خوب و قابل توجهی است و علت آن نیز این است که ارتباط‌های خیلی زیادی برقرار شد.

بنابراین آن چیزی که آینده انتخابات را تعیین می‌کند؛ اولاً سلبریتی‌های سیاسی هستند و آنها از هر کسی حمایت کنند و سرما یه اجتماعی خود را برای آن استفاده کنند، می‌توانند کمک کنند که این فرد رأی بیاورد و مسئله دومی که می‌تواند رأی‌ساز باشد هم از تباط‌های اشخاص است. شما هر چقدر هم که برنامه داشته‌باشید، خوش سابقه و متخصص باشید، اما اگر نتوانید ارتباط‌های مردمی خود را تقویت کنید و با مردم کوچه و بازار، روستاها و شهرستان‌ها تباط قانع‌کننده بگیرید، نمی‌توانید امید داشته‌باشید که بتوانید در انتخابات موفق شوید.

چند درصد این رأی‌هایی را که داده شد، گفتمانی می‌بینید؟ بالاخره در مورد آقای جلیلی گفته می‌شد که رأی ایدئولوژیک و گفتمان انقلاب را نمایندگی می‌کند، آیا رأی را که به آقای جلیلی یا پزشکشان داده‌شد، می‌توان اینگونه تحلیل کرد؟

واقعاً شرح سیاست به هم ریخته است و اینگونه نیست که بگوییم مردم جناحی، سیاسی یا حتی گفتمانی رأی دادند و مثلاً به گفتمان الف یا ب رأی دادند. می‌بینیم افرادی با گرایش‌های فرهنگی، سیاسی، قومی و مذهبی به یک نامزد رأی می‌دهند و افرادی با همان ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، قومی و مذهبی مشابه به یک نامزد دیگر رأی می‌دهند. اکنون در عصر شبکه‌های اجتماعی و در عصری که به آن پس‌حقیقت می‌گویند، دیگر حقیقت ارزش ندارد، بلکه مهم آن روایتی است که شما عرضه می‌کنید و



شیوه جدید کلاهبرداری با وعده ۶ ماه اینترنت و مکالمه رایگان!



رو بهم تحویل میده. وقتی گفتم آدرس بدید که من خودم پیام و سیم‌کارت رو تحویل بگیرم، گوشی رو قطع کردن! بعدش هم هر چی زنگ زدم، جواب ندادن. خیلی خیلی مراقب باشید.»

یکی دیگر از مشترکین تلفن همراه هم به همین شماره ثبت‌شده اشاره کرد و نوشت: «همین شماره به من هم زنگ زند. دزد و کلاهبردارن! یک خانمی خودش رو نمایندگی یک اپراتور معرفی میکنه و میگه سیم‌کارت ه‌چی باید عوض کنی و ۹۰۰ تومن پول

من می‌پذیرم. الان ارتباط هاست که خیلی اهمیت دارد. من خیلی از افراد مذهبی را می‌شناسم که به آقای پزشکشان رأی دادند و از طرف دیگر افرادی را که شاید حجاب درستی هم نداشتند، دیدیم در حالی که مهم‌ترین حرف‌های که با آن آقای جلیلی را مورد نقد قرار می‌دهند، این اتهام بود که گشت ارشاد را سفت می‌کند، ولی آمدند و به آقای جلیلی رأی دادند و این نشان می‌دهد هر کدام از این افراد یک ارتباطی با این نامزد برقرار کرده‌اند، در این ارتباط یک روایتی در ذهن خودشان دارند و براساس فهمی که از جهان دارند، این نامزد الان می‌تواند نقش آفرینی کند.

اکنون افراد بر اساس روایت ذهنی خودشان و آن ارتباطی که با نامزد برقرار کردند و همچنین براساس آن فهمی که از جایگاه آن فرد دارند، رأی می‌دهند و دیگر نمی‌شود گفت گفتمانی رأی می‌دهند و مثلاً تصور کنیم اصلاح‌طلبان یکدست به آقای پزشکشان رأی می‌دهند یا برعکس اتفاق افتاده‌است.

باید در مفاهیمی که تا ۱۰ سال پیش هم می‌توانست جواب دهد و برای تحلیل وضعیت سیاسی و نحوه رفتار انتخاباتی کمک کند، تجدید نظر کنیم، الان باید اینها را تغییر داد و این نگاه‌ها را کنار گذاشت و مقداری شبکه‌ای و متناسب با عصر فضای مجازی به موضوع نگاه کرد. بدون اینکه بخواهیم اغراق کنیم و همه چیز را در این عامل شبکه‌های اجتماعی خلاصه کنیم، ولی در عین حال بسیار موضوع مهم و اساسی است.

به عنوان سؤال آخر چقدر ما توانستیم نسل جدید را برای انتخابات جذب کنیم؟ بالاخره گفته می‌شد این نسل جدید که به عنوان نسل زد شناخته می‌شود، اصلاً از موضوعات سیاسی فارغ هستند و هیچ کاری به آن ندارند. جامعه‌شناسی این افراد در انتخابات اخیر چگونه بود؟

در کل دنیا حضور نسل جوان در انتخابات کم‌رنگ است، یعنی آنها دغدغه‌های خودشان را دارند و بی‌اعتمادی عمومی که کلاً نسبت به عالم سیاست دارند، موجب شده در کل دنیا نیز به کشورهای جهان سوم و چه در کشورهای غربی یا شرقی تمایل این جوانان برای حضور در انتخابات کاهش پیدا کند و دنبال هدف‌های دیگر باشند. خیلی از مواقع دنبال سرگرمی هستند، خیلی از مواقع نیز به دنبال مسائل اقتصادی یا فناوری هستند و کمتر به سیاست توجه می‌کنند و این موضوع در ایران نیز صادق است و نمی‌شود گفت ما توانستیم کار خاصی انجام دهیم تا آنها را جذب کنیم.

در عین حال با وجود جوی که وجود دارد، یعنی با وجود بی‌تلاقی عمومی نسل جوان و نسل زد به مسائل سیاسی، می‌بینیم به هر حال اینها به شیوه خودشان ورود پیدا کردند و هر چند من آماری در این خصوص ندارم، ولی از فعالیت‌های فضای مجازی و فعالیت‌های انتخاباتی احساس می‌کنم حضور اینها کمتر از جاهای دیگر نیست و اینها هم دارند به اندازه خودشان نقش آفرینی می‌کنند و دارند در مسائل سیاسی و انتخابات مشارکت می‌کنند و خب این به معنای این است که یک جذابیت‌ها و نقاط قوتی در چارچوب سیاسی که جمهوری اسلامی ترسیم کرده وجود دارد که حتی این سبزی از افراد را جذب کرده‌است و این می‌تواند یک نوع موفقیت تلقی شود، هر چند نباید خیلی اغراق کرد که ما توانستیم همه این افراد را جذب کنیم، چون اصولاً هیچ دولتی تا به حال توانسته خیلی در ارتباط برقرار کردن میان دولت و نسل زد موفق باشد و در امریکایش هم همینطور است و این نسل خیلی تمایلی برای مشارکت سیاسی ندارد. در چین و روسیه یا در کشورهای اسلامی مانند لبنان هم معمولاً افراد میناسال به بالا تمایل دارند که در انتخابات شرکت کنند. همچنین تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد معمولاً افراد متأهل بیشتر تمایل دارند و هر چند که میزان مشارکت در میان زن و مرد معمولاً یکسان است، ولی جوان‌ها کمتر از مسن‌ها و افراد تحصیلکرده کمتر از افراد کمتر تحصیلکرده تمایل دارند در انتخابات مشارکت داشته‌باشند.

باهاشون بر خورد کنن!»

مشترک دیگری نیز نوشت: «ترفند کیفیغه، اسم و آدرس رو می‌پرسن و بعدش میگن سیم‌کارت اومد باید ۹۰۰ تومن پول بدی، با اینکه گفتم سیم‌کارت نمی‌خوام، گفتم نمیتونی نخواستی! گفتم پس شابه بسته رو بپار ممکنه مرجوع کنم. بعدش پیک زنگ زد گفت پست پیشتارم بسته همراه اول آوردم، گفتم اگر بیای ممکنه مرجوع کنم، گفت اگر سیم‌کارت رو نگیری ۹۰۰ تومن میدم رو قبضت و تازه سیم‌کارت رو هم از دست میدی! قطعاً کلاهبردارن و باید یکی به این موضوع رسیدگی کنه.»

■ **هشدار! استعمال بگیرد**

متأسفانه کلاهبرداری‌های تلفنی بیش از پیش شایع شده‌است. به همین دلیل اپراتورهای تلفن همراه توصیه می‌کنند که کاربران در مواجهه با موارد مشکوک هوشیار باشند و بدون استعمال از آنها اقدام به خرید سیم‌کارت نکنند. بنابر این مشترکین تلفن همراه باید درباره هر پیشنهادی که تحت عنوان نمایندگی اپراتورها به آنها داده می‌شود، بررسی‌های لازم را انجام دهند، صحت این پیشنهاد را از شماره‌های معتبر استعلام بگیرند و زمانی‌که فکر کردن در تصمیم‌گیری صرف کنند. در غیر این صورت ممکن است تصمیمات فوری و بدون بررسی، برایشان خسارت مالی به دنبال داشته‌باشد.

وید پورنای

عطری که دوباره پیچید

یک: سر لُج افتاده‌بودم؛ واقعیتش را بخواهی خودم هم نمی‌دانستم چرا، خودم قدیم ترها دهن‌زن هیئت‌ام بودم، ولی سه، چهار سالی بود به قول جدیدی‌ها دین زده شده‌بودم. فکر می‌کردم با نرفتن به مراسم

عزاداری حسینی، مخالفتم را نشان می‌دهم.

سال اولی که دیگر نمی‌خواستم حسینی باشم، پیده پیرو سال‌های قبل، ۱۰ روز قبل از محرم سراغم آمدند و گفتند که باید برای کارهای هیئت آماده شویم، نرفتم؛ دوباره آمدند؛ دوباره نرفتم. خیلی عوض شده‌بودم، نه اینکه بخواهم برایشان نقش بازی کنم، باهمی برای رفتن نمی‌کشید. سال دوم، سه نفرشان دوباره آمدند، ولی من باز هم نرفتم و تازه اینبار برای نرفتمن هزار و یک دلیل اینستاگرامی هم داشتم؛ درست یادم نمی‌آید، ولی یک چیزهایی شبیه اینکه عرب‌های ۱۴۰۰ سال پیش به ما چه ربطی دارد و ما برای عزیزان خودمان هم این شوک عزاداری نمی‌کنیم و از این حرف‌ها سال سوم دیگر کسی دنبالم نیامد؛ ناامید شده‌بودند، قیدم را زدند.

دو: یکسالی بود راننده اسنپ شده‌بودم دخل و خرج به زور جواب می‌داد و هر بار که کم می‌آورد می‌گفتم: «همون بهتر که دیگه اسم نوکری حسین (ع) رو به دوش نمی‌کشم حداقل میدونم خودم هستم و خودم؛ این چه وضع زندگیه از صبح تا شب تو گرما و سرما مسافرتی کن، آخرشم دوزار برات نمیمون.. فقط خودمونو گول می‌زنیم، امام حسین(ع) کجا بود؟!»

فکر می‌کنم چهارمین سالی بود که قید همه چیو زده‌بودم؛ بلند شدم اسنپ رو روشن کردم که مادرم گفت: عاشورا، امروز رو ز کار نکن؛ پوزخند زدم و گفتم عاشورا تا سوعا کشک‌ک چیه، الان من کار نکتم، حسینتون میاد شب پول میناره تو کیفم؟

مسافر گرفتم، یه خانم میناسال بود، سوار شد دو مسیره گرفته بود، مقصد اول جایی بود که خیمه کش می‌زدند، پیده شد به من گفت

چند لحظه صبر کنی تا بر کمرم، حال و هوای آنجما را به چند سال قبل

بردم، می‌بینی یک وقتایی عطری یک‌روزه‌هایی، یک آدم‌هایی از گذشته در

فضا می‌پیچد؟ عطرن آن روزها می‌آمد، ولی نمی‌خواستم قبول کنم، از

ماشین پیده شدم و سیگارم را روشن کردم؛ می‌خواستم عطرن آن فضا را

برای خودم به یاد بکنشم، ولی باز آن بو می‌آمد..

آن خانم بعد از یک ربع برگشت، دو تکه پارچه سوخته دستش بود،

چشمانش اشکی بود، یکی از پارچه‌ها را به من داد و گفت: «این را برای

شما نیت کردم.» گفتم: «من اعتقاد ندارم.» دستش را کوتاه نکرد:

«بگیر بگذارش یک گوشه، نیت من شما بودی!» سوار شد مقصد دوم

بیمارستان بود در مسیر برایم تعریف کرد: «دخترم عاشق امام حسین

است. شش ماه پیش تصادف کرد و به کما رفت، این پارچه را برای او

می‌برم، می‌خوام ببینم ده دستش.» گفتم: «این پارچه خوشی می‌کند؟»

لبخند زد: «تا بگذر شدن از نظر شما چیه باشه، می‌دانم اگر این پارچه را

به دستش ببندم، آرامش می‌گیرد، خودم هم آرام می‌شوم، ذات انسان

اینگونه است که اگر چیزی در این دنیا نداشته‌باشد که وقت دلنشگی به

آن پناه ببرد، می‌پوسد، افسرده می‌شود، از مسیر خارج می‌شود، حالا

هر چه که می‌خواهد باشد، خدا را شکر که ما امام حسین را داریم، محرم

را داریم، خداروشکر که محرم همچنان زنده است و هر سال را سال قیام

باشکوه‌تر است. پسرم قبول دارم عده‌ای هستند که می‌خواهند دین را

از ما بگیرند، می‌خواهند محرم را از ما بگیرند، ولی نمی‌توانند. به معجزه

اعتقاد داری؟ اینها معجزه است، این شکوه و شور و هیجان معجزه است.

این آدم‌هایی را با همه سختی‌های زندگی دهه محرم و عاشورا با تسوعا

بیرون می‌آیند و نذری می‌دهند و پول روی هم می‌گذارند تا شور محرم

نشود، معجزه‌های خداوند هستند، فقط کافی است آدم کمی فکر

کند، وگرنه چطور ممکن است در مناطق ضعیف شهر که مردم مایحتاج

روزانه‌شان را به زور تأمین می‌کنند، محرم به این باشکوهی بر گزار

شود؟ میدانی پسرم امام حسین خودش برکت می‌دهد! اینها برکت امام

حسین است.» دوباره همان عطرن در فضا پیچید، دوباره می‌خواستم

سیگار روشن کنم، ولی مسافر داشتم.

سه: عصر بود دیگر بیرون نرفتم. خوابیدم، گفتم بخواهم که هوای

ظاهر عاشورا و آن بوی عطرن از سرم بپرد. خواب دیدم. داشتم در هیئت

دهل می‌زدم، آقای آمد کنارم و دستش را گذاشت روی شام‌هام هر

چه تلاش کردم سرم را بلند کنم تا صورتش را ببینم، نمی‌شد، از این

خواب‌هایی بود که انگار بدنت قفل می‌شود. دستم را گرفتم، یک پارچه

به دستم بسته، خوب که نگاه کردم دیدم همان پارچه‌ای بود که آن

خانم به من داده‌بود. گفتم من اعتقاد ندارم، گفت پس اینجا چه کار

می‌کنی؟ اشک‌هایم می‌آمد: «منی‌دانم، من خوابیدم که هوای هیئت

از سرم بپرد، نمی‌دانم چرا اینجا هستم؟» گفت: «اگر اعتقاد نداشتی

عطر ما را استعمال نمی‌کردی، ما تو را دوست داریم چون تو هم ما را

دوست داری!»

از خواب بیدار شدم، دوباره همان عطری پیچید که ظهرا بوی سیگار به

گند کشیدمش؛ دیگر نمی‌خواستم عطرنش از سرم بپرد، ولی روی رفتن

به هیئت هم نداشتم، بغض کرده‌بودم. نمی‌دانم چه به روزم آمده‌بود،

دلم می‌خواست همان لحظه در بین سینر زنان شام‌قریبان باشم. در دلم

آشوب بود: «اگر اینها حقیقت دارد، این بو، آن خانم، این خواب، خودت

یکجوری مرا به هیئت دعوت کن من روی برگشتن ندارم.»

میدانم باورش سخت است، من هم جای شما بودم، باور نمی‌کردم، باید

این معجزه‌ها برای خود آدم پیش بیاید تا باور کند، ولی همان لحظه

موبایلم زنگ خورد، یکی از همان بچه‌های هیئت بود که تا دو سال قبل

تو می‌آمد دنبالتا، او گفت: «امروز هر طرف را نگاه می‌کردم، یکی شبیه

تو در خیابان بود، می‌دانم که نمی‌آیی، ولی امروز همه جا بودی، تا سر

بر می‌گرداندم، فکر می‌کردم تو آمده‌ای، دقت می‌کردم می‌دیدم نه تو

نیستی، گفتم حداقل زنگ بزمن حالت را ببرسم، ببینم رو به راهی؟ یک

ساعت دیگر دسته‌راه می‌افتد، کاش اسمال را می‌آمدی! اسمال عجیب

همه‌مان به یاد بودیم!»

قضای

اعلام جرم علیه شایعه‌براکتان انفجار در حرم شاهچراغ (۲)

دستگاه قضایی علیه منتشرش کنندگان شایعه انفجار در حرم شاهچراغ (ع) اعلام جرم کرد.

دوشنبه شب در ادعایی نادرست و خلاف واقعیت برخی افراد در فضای مجازی شایعه انفجار در حرم شاهچراغ (ع) را مطرح کردند. در پی این ادعای نادرست که امنیت روانی جامعه را تحت تأثیر قرار داد، دستگاه

قضایی علیه منتشر کنندگان این شایعه اعلام جرم کرد.

دادستان عمومی و انقلاب شیراز درباره خبر منتشرشده در همین

ارتباطه که در فضای مجازی منتشر شده‌بود، گفت: صدای تیراندازی

شنیده‌شده در اطراف شاهچراغ (ع) مربوط به شلیک سهوی یکی از

عوامل امنیتی بوده و بر اثر سهل‌انگاری رخ داده‌است.

بحرینی همچنین گفته‌بود محدوده حرم در امنیت کامل است.

سید مصطفی بحرینی ابیان اینکه به محض وصول خبر، یکی از

معاونین دادستان شیراز و باز پرس ویژه در حرم مطهر شاهچراغ (ع)

حضور یافتند، گفت: ابعاد دقیق موضوع در دست بررسی است و در

صورت کشف موارد دیگر از طریق رسانه‌های رسمی اطلاع‌رسانی

خواهد شد.